

Threatening Components of Strategic Cooperation between Iran and Russia

Alireza Tavakoli^۱

Reza Mahmoud Oghli^۲

(Received: 02/01/2023 - Accepted: 08/03/2023)

Abstract

The purpose of this research is to investigate the threatening components of the strategic cooperation between Iran and Russia. A look at the history of the relations between the two countries shows that during the period when the Euro-Atlanticists came to power in Russia, the relations between the two countries were faced with mistrust. But since 1996, with the emergence of Eurasianists in Russia, we have witnessed the rapprochement of the relations between the two countries and their cooperation. The Syrian crisis caused the relations between the two countries to expand more and more, and at the same time, we witnessed the strategic cooperation of the two countries to solve the said crisis. But besides this cooperation, some factors and components threaten this cooperation and in the future may even harm the relations between the two countries. According to these cases, the question is raised, what are the threatening components of the regional relations between Iran and Russia? To answer the research question, the descriptive-analytical method has been used. The findings showed that the two countries' different views on relations, the legal regime of the Caspian Sea, the search for new energy markets, Russia's relations with America and Israel, the way of looking at the Syrian crisis, the pursuit of interests in the post-crisis era of Syria are among the components that make strategic cooperation between Iran and They threaten Russia.

Keywords: Iran, Russia, Caspian Sea, Energy, Syrian Crisis.

^۱ M.A student, Department of Regional Studies, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran (Atavakoli790@gmail.com) **Corresponding Author**

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0005-0008-4122>

^۲ Associate Professor, Department of Political Science, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran (R_oghli@uma.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-1111-3612>

مولفه‌های تهدیدکننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه

علیرضا توکلی^۱

رضا محموداوغلی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷)

چکیده

روابط ایران و روسیه بعد از فروپاشی شوروی شاهد فراز و نشیب‌های بسیاری بوده است. این فراز و نشیب‌ها تحت تاثیر عواملی مانند موقعیت متفاوت دو کشور در نظام جهانی، وجود دولت‌ها با گرایش‌های مختلف در دو کشور، همپوشانی و تضاد منافع دو کشور در موقعیت‌های مختلف بوده است. نگاهی به تاریخ روابط دو کشور نشان می‌دهد که در دوره به قدرت رسیدن یورواتلانیک گرایان در روسیه و با توجه به علاقه و گرایش آنها به غرب، روابط دو کشور در حالت سردی و همراه با تیرگی بوده و شاهد نوعی بی‌اعتمادی این طیف به ایران هستیم. اما از سال ۱۹۹۶ با ظهور اوراسیاگرایان در روسیه شاهد نزدیک شدن روابط دو کشور و همکاری آنها هستیم. بحران سوریه باعث شد تا روابط دو کشور هر چه بیشتر گسترش یافته و در کنار آن شاهد همکاری راهبردی دو کشور برای حل بحران مزبور باشیم. اما در کنار این همکاری، عوامل و مولفه‌هایی هستند که این همکاری را تهدید نموده و در ادامه ممکن است حتی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (Atavakoli790@gmail.com)

نویسنده مسئول

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0005-0008-4122>

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (R_oghli@uma.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-1111-3612>

به روابط دو کشور آسیب رساند. با توجه به این موارد این پرسش مطرح می‌شود که روابط منطقه‌ای ایران و روسیه با چه مولفه‌های تهدیدکننده‌ای مواجه است؟ فرضیه این است که نگاه متفاوت دو کشور به روابط، رژیم حقوقی دریای خزر، جستجوی بازارهای جدید برای انرژی، روابط روسیه با آمریکا و اسرائیل، نوع نگاه به بحران سوریه، پیگیری منافع در دوران پسابحران سوریه از جمله مولفه‌هایی هستند که همکاری راهبردی ایران و روسیه را تهدید می‌نمایند. در این مقاله عوامل و مولفه‌ها و نقش آنها در تهدید همکاری و روابط دو کشور ایران و روسیه بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، دریای خزر، انرژی، بحران سوریه

مقدمه

روابط ایران و روسیه همواره مهم و کلیدی بوده و در طول تاریخ همراه با فراز و فرودهایی بوده است. به شکلی که گاهی دو کشور آنچنان به یکدیگر نزدیک شده‌اند که صحبت از مشارکت راهبردی آنها به میان آمده و گاهی نیز چنان از هم فاصله گرفته‌اند که به مرز تیرگی رسیده‌اند. در دوره یورو آتلانتیک‌گرایان (۱۹۹۱-۱۹۹۶)، با توجه به رویه حاکم بر سیاست خارجی روسیه در نگاه به غرب و همچنین نگاه بدبینانه به ایران بعنوان کانون تهدید، توجه چندانی به ایران نشد و سطح روابط دو کشور کاهش یافت. بعد از شکست گفتمان یورو آتلانتیک‌گرایان و با روی کار آمدن پیریماکوف و قدرت گرفتن اوراسیاگرایان (۱۹۹۶-۲۰۰۰)، سیاست نگاه به شرق تقویت شد و ایران به واسطه نقش ژئوپلیتیک، نفوذ منطقه‌ای و همچنین بخاطر مهار بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد توجه روس‌ها قرار گرفت. این توجه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ هم بود هر چند که در دوره مدودوف (۲۰۱۲-۲۰۰۸) که مصادف با توسعه روابط با غرب بود به سمت واگرایی پیش رفت و روسیه در تصویب قطعنامه در شورای امنیت و اعمال تحریم علیه ایران با کشورهای غربی همراهی نمود. در مقابل رویکرد دولت‌های مختلف در ایران نسبت به ارتباط و همکاری با روسیه متفاوت بوده است. در دولت سازندگی همکاری دو کشور در بحث تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و تامین تسلیحات نظامی بوده و با توجه به گرایش غرب‌گرایانه مقامات وقت روسیه و نگاه بدبینانه آنها به اسلام انقلابی، پیشرفت چندانی در سایر حوزه‌ها حاصل نشد. در دولت اصلاحات و با توجه به سیاست تنش‌زدایی و بهبود رابطه ایران با کشورهای غربی، رابطه ایران با روسیه گسترش همراه با توازن بود هر چند که این دولت در رابطه با رژیم حقوقی دریای خزر از رفتار دولت روسیه ناخرسند بود. در دولت احمدی نژاد و با توجه به تشدید تنش در روابط ایران با غرب و شروع تحریم‌ها، نگاه به شرق در

سیاست خارجی ایران تقویت شد و شاهد رابطه و همکاری استراتژیک ایران با روسیه هستیم؛ هر چند که این همکاری برای ایران از روی اجبار بوده و سودجویی و فرصت‌طلبی روس‌ها در این رابطه مشهود بود. در دولت تدبیر و امید و با توافق برجام، روابط دو کشور به حالت توازن بازگشت اما با خروج آمریکا از برجام، دوباره نگاه به شرق به دکترین سیاست خارجی ایران برگشت و دو کشور فصل جدیدی از رابطه و همکاری استراتژیک را آغاز نمودند. از طرف دیگر از سال ۲۰۱۱ با شروع بهار عربی و سرایت آن به کشور سوریه که موجب فرور رفتن این کشور در بحران عمیق بین‌المللی شد، دو کشور ایران و روسیه را واداشت تا اقدام به مداخله در این بحران نمایند. هر چند که از نظر زمانی ورود ایران و روسیه متفاوت بود. با توجه به اهمیت سوریه بعنوان یکی از کشورهای خط مقدم مبارزه با اسرائیل و پشتیبان نیروهای مقاومت در فلسطین و لبنان، ایران از همان لحظات اولیه بحران در کنار دولت سوریه ایستاد و با کمک‌های مستشاری و تسلیحاتی از دولت سوریه پشتیبانی نمود. در ابتدا روسیه با در پیش گرفتن سیاست صبر و انتظار به فکر حفظ منافع و پایگاه نظامی دریایی خود در بندر طرطوس بدون توجه به تحولات حکومت در سوریه بود. با توجه به ناکامی این کشور در تاثیرگذاری در معادلات بحران لیبی، حضور نیروهای افراطی از آسیای میانه و قفقاز در سوریه که موجب چالش امنیتی برای روسیه می‌شد و از طرفی حضور و فشار غرب به روسیه در اوکراین موجب شد که از سال ۲۰۱۵، این کشور بطور مستقیم در بحران سوریه مداخله نموده و با حملات هوایی و موشکی به پشتیبانی از نیروهای حامی دولت سوریه پردازد. به موازات پیروزی نیروهای حامی دولت سوریه و شکست مخالفان، بتدریج اختلافات دو کشور نیز نمود عینی یافت. سیاست ایران در ایجاد پایگاه در سوریه برای تهدید اسرائیل و مخالفت با نقش‌آفرینی کشورهای منطقه همچون ترکیه و عربستان در تقابل اهداف روسیه از جمله تضمین امنیت اسرائیل، ارتباط با کشورهای منطقه و استفاده از کارت سوریه

مولفه‌های تهدید کننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه ۱۰۷

برای فشار به غرب موجب چالش هر چه بیشتر دو کشور در این منطقه شده به طوری که سایه‌ای از تردید و نگرانی از طرف ایران بر روی این رابطه و همکاری استراتژیک گسترده شده است و با توجه به چالش‌ها و اختلافات پیشین در نگاه متفاوت دو کشور به رژیم حقوقی در دریای خزر، تأثیرات منفی بر روابط دو کشور خواهد گذاشت. با توجه به این امر، مولفه‌های تهدید کننده همکاری راهبردی دو کشور بخصوص با توجه به چالش‌ها و اختلافات ذکر شده چیست؟

چارچوب نظری

نواقعی‌گرایی (واقع‌گرایی ساختاری): نظریه نواقعی‌گرایی در دهه ۱۹۷۰ توسط «کنت والتز» در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» ۱۹۷۹ مطرح شد. والتز بدنبال پاسخ این پرسش بود که چرا بازیگران در محیط بین‌الملل، با وجود تفاوت در جنبه‌های مختلفی همچون سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و ... رفتاری مشابه از خود بروز می‌دهند؟ پاسخی که والتز به این پرسش می‌دهد، نگاهی جدید را وارد عرصه تحلیل پویای رفتار بازیگران می‌کند. والتز بر این باور است که نمی‌توان این شباهت را بر اساس ویژگی‌های واحدها توضیح داد و در مقابل، بایستی به برداشتی سیستمی از سیاست بین‌الملل متکی بود. عبارت دیگر ساختار آنارشیک سبب می‌شود که بازیگران ادراکات ذهنی خاصی را در خود ایجاد کرده و بر اساس آن رفتار کنند. بنابراین تأثیرات ساختار بر کارگزاران (بازیگران) سبب می‌شود بازیگران رویه‌های مشابهی را اتخاذ کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

نواقعی‌گرایی، ماهیت و امکان همکاری‌های بین‌المللی را نیز بر اساس ساختار آنارشیک نظام تحلیل می‌کند. پیامدهای آنارشیک بودن نظام بین‌المللی دو مانع را بر سر راه همکاری‌های بین‌المللی ایجاد می‌کند: ۱- تقلب، ۲- دستاوردهای نسبی. این بدان معناست که بر اثر فضای بی‌اعتمادی حاکم بر روابط بین‌الملل،

کشورها از ترس فریب خوردن از شریک‌های خود، در ایجاد و تداوم همکاری با کشورهای دیگر محتاط هستند. همچنین دولت‌ها از آنجا که در نظام غیرمتمرکز و خودیار قرار گرفته‌اند، ماهیتی تدافعی دارند و حتی در شرایطی که همکاری آنها دربردارنده سود مطلق باشد، با احتیاط عمل می‌کنند (باقری دولت آبادی و شفيعی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۳). نظریه نوواقعگرایی بر این باور است که مقابله با تهدیدات مشترک یا ادراک از تهدیدات مشترک منجر به اتحاد و ائتلاف میان دولت‌ها بعنوان کنشگران اصلی نظام بین‌الملل می‌شود. در این نظریه با الهام از نظریه بازی‌ها و نظریه انتخاب عقلانی، دولت‌ها بعنوان کنشگران عقلانی فرض می‌شوند که با محاسبه سود و زیان خود و در صورت وقوع تهدیدات مشترک، بر اساس مصلحت برای رفع تهدیدات دست به اتحاد و ائتلاف با هم‌تایان خود که آنها نیز در معرض چنین تهدیدات مشابهی هستند، می‌زنند. بنابراین اتحاد و ائتلاف در چنین نظریاتی، عامل دفع تهدید و ایجاد موازنه قدرت در برابر تهدیدگر به شمار می‌رود (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳: ۱۷۳). مفروض واقعگرایی ساختاری این است که هر کشوری به دنبال دستیابی به منافع خود است و همکاری در شرایطی که همه به دنبال منافع خود و نسبت به سایر دولت‌ها بی‌اعتماد هستند، تا جایی تداوم می‌یابد که تأمین‌کننده منافع آنها باشد و در صورتی که برخلاف مزیت‌های نسبی برای دولت‌ها باشد، آنها از ادامه همکاری‌ها سر باز خواهند زد. بنابراین اتحادها و همکاری‌ها مسائل موقتی هستند (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۵۵). بطور کلی از نظر والتز، اتحادها به این دلیل شکل می‌گیرند که دولت‌های ضعیف‌تر باید برای مقابله با قدرت‌های بزرگ با یکدیگر متحد شوند تا در نظام بین‌الملل آتارشیک بقا یابند. از نظر وی اتحادها همچنین با تغییر الگوی توزیع قدرت تغییر می‌کنند؛ بنابراین پدیده‌های بسیار موقت به شمار می‌آیند که با رفع تهدیدات و با تغییر الگوی توزیع قدرت، آنها نیز دگرگون می‌شوند (Waltz, 1988: 615-617). در همین راستا و بر اساس تهدیدات و یا درک مشترک از تهدیدات جهانی و

مولفه‌های تهدید کننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه ۱۰۹

منطقه‌ای ایران و روسیه دست به ایجاد یک همکاری یا شراکت استراتژیک زدند. این همکاری که با توجه به شرایط ضروری و از روی اجبار صورت گرفته، فراز و نشیب‌هایی داشته است. اما این واقعیت را نباید نادیده گرفت که ماهیت تعامل میان دو کشور در هر موضوع، یک «همکاری استراتژیک گزینشی» بوده که بر اساس شرایط قابل تغییر است. روابط دو کشور بر مبنای نزدیکی یا دوری نقش‌آفرینی آنها شکل گرفته است. همسویی یا عدم همسویی نقش دو کشور به تقابل یا اشتراک منافع آنها بستگی دارد. در کنار این عوامل باید نقش نیروهای رقیب ایران در جهت‌دهی به روابط ایران و روسیه را نیز افزود. این نیروها عبارتند از: آمریکا و اسرائیل که به نقش‌آفرینی مؤثری در کم‌رنگ یا پررنگ کردن همکاری ایران و روسیه پرداخته‌اند. بر این اساس، همکاری دو کشور در آینده بر اساس این تهدیدات و مخاطرات تنظیم خواهد شد.

بر اساس چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قابل توضیح و تحلیل است. مهمترین دغدغه جمهوری اسلامی در منطقه، دغدغه‌های امنیتی است؛ خطرهای ناشی از حضور بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای معارض با اهداف و منافع ایران، این کشور را به شدت نسبت به تمامیت ارضی و استقلال خود بیمناک نموده لذا تلاش ایران در این شرایط در وهله اول، معطوف به تامین امنیت است. دولت‌ها در پی کسب امنیت در نظام اقتدارگرای بین‌المللی‌اند که از سوی دولت‌های دیگر تهدید می‌شوند و انگیزه اصلی و اولیه کشورها، بقا به معنای حفظ حاکمیت ملی یعنی استقلال و تمامیت ارضی است.

جمهوری اسلامی برای تامین امنیت خود در منطقه بشدت روندهای افزایش قدرت سایر کشورها را رصد می‌کند و همواره به دنبال آن است که موازنه قدرت شکل گرفته در منطقه، بر ضد تهران بر هم نخورد. نکته مهم آن است که ایران هرگز حاضر نیست برای بقا و امنیت و افزایش قدرت خود وارد جنگ

شود و اگر جنگی هم صورت گیرد نه برای تغییر وضع موجود بلکه برای حفظ آن است. در نقطه مقابل ایران، فدراسیون روسیه پس از یک دوره افول و فروپاشی، امروزه با تکیه بر درآمدهای سرشار از صادرات انرژی، سعی در بازیابی و حداکثرسازی قدرت خود در منطقه می‌باشد. روسیه با درک این موضوع که نظام بین‌الملل آنارشیک است؛ از خطرات بالقوه تهدید کننده امنیت، بقا و استقلال و تمامیت ارضی خود در منطقه مجاور آگاه است. خطراتی که با حضور و نفوذ آمریکا در منطقه و گسترش ناتو به شرق، ادعای قدرت‌های منطقه‌ای چون ترکیه و ایران می‌تواند بیش از پیش پررنگ شود. پاسخ و راهبرد روسیه در برابر این خطرات و عوامل تهدیدکننده بقا و امنیت، تلاش برای حداکثرسازی و گسترش نفوذ در منطقه است. به‌زعم روس‌ها در نظام بین‌الملل آنارشیک، امنیت و بقا قطعی نبوده و آنچه در تامین آن نقش اساسی دارد تلاش برای کسب قدرت است، تلاشی که می‌تواند از یک سو روسیه را در رسیدن به هژمونی منطقه‌ای کمک کند و از سوی دیگر عرصه عمل و فعالیت سایر بازیگران را محدود سازد. بنابراین گرچه هر دو کشور با دیدی امنیت‌محور به منطقه می‌نگرند و دغدغه اولیه و اصلی آنها با توجه به پیوندهای تاریخی، قومی و مذهبی، تهدیدات امنیتی است اما پاسخ دو کشور به بحران‌های امنیتی منطقه متفاوت است. ایران بیشینه‌سازی قدرت را نه تنها عاملی برای ثبات منطقه‌ای نمی‌داند بلکه عاملی مخرب جهت بغرنج‌تر شدن وضعیت تلقی می‌کند. حال آنکه روسیه برای حداکثرسازی قدرت، گاه حاضر به ایجاد تنش‌هایی است که در نهایت منجر به اقتدار و قدرت بیشتر خودش گردد. با چنین دیدگاهی، در ادامه مولفه‌ها و عوامل تهدید کننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه تشریح می‌شود.

نگاهی به روابط روسیه و ایران

وقوع انقلاب اسلامی ایران و رهایی ایران از اردوگاه امپریالیسم از یک سو و

فروپاشی شوروی از سوی دیگر باعث شد تا زمینه برای همکاری و مشارکت ایران و روسیه در عرصه‌های گوناگون فراهم شود. هر دو کشور در تقابل با نظم حاکم موجود در نظام بین‌الملل به دنبال ایفای نقشی اثرگذار در نظام بین‌الملل بودند. حرکت ایران به سوی انرژی هسته‌ای و تلاش این کشور برای ارتقای ضریب امنیت ملی خویش در حالی صورت گرفته بود که غرب و در راس آنها آمریکا تمام سعی و تلاش خود را علیه آن بکار بسته بود. این شرایط زمینه را برای روسیه فراهم نمود تا با حضور در برنامه هسته‌ای و تامین سامانه دفاع موشکی ایران، هم توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی خود را محقق کند و هم خود را بعنوان عنصری فعال در نظام بین‌الملل مطرح نماید. لذا روسیه تلاش می‌کند تا در نهایت ممکن از شرایط بین‌المللی ایجاد شده بهره لازم را ببرد و در این میان جمهوری اسلامی ایران اسیر سیاست تاخیری و یک بام و دو هوای روسیه گشته است. بدین ترتیب روسیه در مورد همکاری با ایران باید با نیم‌نگاهی به روابط خود با اروپا و آمریکا تصمیم بگیرد و نقش آنها را نیز از یاد نبرد. تمامی این مسائل باعث شده تا سیاست خارجی روسیه در قبال ایران یک بام و دو هوا تلقی شود و یا به بیان دیگر دکترین مشارکت و مقاومت در سیاست خارجی روسیه در قبال ایران مطرح گردد (کریمی پور، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر ایران نیز به دلیل خروج آمریکا از برجام و همکاری کج‌دار و مریز اروپا در قبال حفظ و اجرای برجام، ناچار به همکاری عمل‌گرایانه با روس‌ها شده است و این در واقع همان چیزی است که روس‌ها به دنبال آن هستند یعنی از یک سو کنترل ایران در منطقه و از سوی دیگر تضعیف نقش سیاسی و امنیتی آمریکا در خاورمیانه بعنوان منطقه خارج دور در سیاست خارجی روسیه. بعبارت دیگر می‌توان گفت خروج آمریکا از برجام و انزوا و نیاز ایران به روسیه، بهترین گزینه روس‌ها برای مدیریت روابط با غرب است چرا که روسیه از یک سو در مقابل تهدیدات غرب خط و نشان می‌کشد و از سوی دیگر از تعاملات جهانی و همکاری و ایفای نقش موثر بین‌المللی جا

نمی‌ماند.

باید به این نکته اشاره نمود که مسکو انتظار دارد تهران در موضوع‌های بین‌المللی در چارچوب سیاست کرم‌لین حرکت کند. به بیان دیگر، روسیه در صدد است تا از طریق ایران یکی از اصول سیاست خارجی خود که ایفای نقش و کسب اعتبار در عرصه بین‌المللی است را محقق نماید (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۹۵).
 بنظر می‌رسد که روس‌ها فرایندمحور هستند و خواهان ادامه‌دار بودن و کش‌دار شدن مشکلات ایران با کشورهای غربی بخصوص بعد از خروج آمریکا از برجام می‌باشند. شایان ذکر است که بطور کلی روسیه در رابطه با ایران دو منفعت کلان دارد: ۱. اقتصادی و درآمدی که از ره‌آورد تحریم فروش نفت ایران عاید این کشور شده که به ارزش میلیاردها دلار است و ۲. از نظر سیاسی درگیری روسیه در مشکلات بین‌المللی ایران به ایفای نقش بین‌المللی این کشور کمک فراوانی می‌کند.

با این همه روسیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بعنوان یک همکار استراتژیک عمل نموده است و در طول این مسیر سیاست خارجی خود را بر اساس ترسیم یک وضعیت خاکستری استوار نموده که طی آن گاه روسیه را در اردوگاه غرب می‌بینیم و گاه مدافع ایران و مخالف حمله نظامی به این کشور (مجتهدزاده، رشیدی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۰۵). مسکو معتقد است از آنجا که آمریکا دشمن شماره یک ایران بشمار می‌رود این کشور در مقابل آمریکا نیازمند کمک روسیه است. از سوی دیگر ایرانی‌ها اعتقاد دارند روسیه در طول سالیان گذشته به شدت به ایران ضربه زده است و نسبت به این کشور بی‌اعتماد هستند (کرمی پور، ۱۳۹۱).

بازار انرژی - خطوط انتقال انرژی

زمینه‌های واگرایی دیپلماسی انرژی ایران و روسیه را باید در تعارض و تضاد پیرامون تعیین مسیر خطوط لوله‌های انتقال نفت و گاز از حوزه

مولفه‌های تهدید کننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه ۱۱۳

خزر و آسیای میانه جستجو کرد. در شرایطی که امریکا از منظر راهبردی تلاش می‌کرد خطوط لوله جدید انتقال نفت و گاز از حوزه خزر به خارج از این منطقه از هیچیک از کشورهای روسیه و ایران عبور داده نشود، منافع روسیه نیز در حذف بازار انرژی ایران با سیاست‌های امریکا همسو بود (اسلامی، ۱۳۹۱). موضوع انتقال گاز ایران به اروپا نیز یکی از مهمترین زمینه‌های رقابت و واگرایی دیپلماسی انرژی روسیه و ایران به شمار می‌رود. روسیه توانسته است با اتکا بر توانمندی‌های اقتصادی و سیاسی و زیرساخت‌های بخش انرژی خود قسمت اعظم نیاز اروپا به گاز را تأمین نماید و با استفاده از بزرگراه‌های حساس سیاسی و اقتصادی و نیازمندی کشورهای مصرف کننده، قیمت گاز را طی چند مرحله افزایش دهد و تثبیت نماید. روسیه در عین حال می‌کوشد جایگاه انحصاری خود را در تأمین نیازهای اروپا به گاز طبیعی همچنان حفظ نماید.

دیپلماسی انرژی روسیه این موضوع را هم از منظر راهبردی و هم از منظر منافع اقتصادی دنبال می‌کند. از منظر راهبردی روسیه می‌کوشد از ورود ایران به شکل رقیب یا شریک در طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به انتقال گاز به اروپا از طرق مختلف جلوگیری کند. از منظر منافع اقتصادی نیز روسیه تلاش می‌کند ایران را از دسترسی به بازار گاز اروپا بازدارد تا کنترل عرضه و قیمت گاز طبیعی در اروپا همچنان در دست روسیه باقی بماند و پیدا شدن یک عرضه کننده توانمند دیگر، قدرت چانه‌زنی اروپا را در معامله با روسیه تقویت ننماید. از این رو می‌توان گفت که موضوع انتقال گاز به اروپا حساس‌ترین چالش دیپلماسی انرژی دو کشور محسوب می‌شود. ایران در راستای منافع ملی و دیپلماسی انرژی خود تلاش دارد به بازارهای اروپا دست یابد و از توان بالقوه خود برای رقابت با روسیه بهره‌برداری نماید. جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی انرژی خود برای بدست آوردن سهمی از بازار گاز طبیعی در اروپا جهت گیری درستی اتخاذ

کرده است. از نظر راهبردی، این جهت‌گیری منطبق با موقعیت ویژه جغرافیایی ایران و مقتضای بهره‌گیری از امکانات و مزیت‌های نسبی است که ایران در مقایسه با تمام کشورهای دیگر منطقه از آنها برخوردار است. از نظر سیاسی، تعامل با اروپا در زمینه انرژی می‌تواند عاملی برای کاهش تنش در روابط دوجانبه و مخاطرات ناشی از فشار آمریکا و اسرائیل به اروپا برای تقابل با ایران باشد و در مجموع ثبات منطقه‌ای را افزایش دهد. از نظر اقتصادی نیز با وجود خط لوله انتقال گاز به ترکیه به طول ۱۸۵۰ کیلومتر و فراهم بودن زیرساخت‌ها و امکانات لازم، توسعه و اتصال آن به خطوط لوله اروپایی از جمله خط لوله ناپوکو منطقی و مقرون به صرفه بنظر می‌رسد. نیاز اروپا به گاز ایران در درازمدت از منظر تنوع‌بخشی به منابع پایدار تأمین گاز و اتصال به بزرگترین مخزن گازی جهان در پارس جنوبی و همچنین شرایط رقابتی در بازار و حتی قیمت بهتر در مقایسه با روسیه نیز قابل انکار نیست. تلاش‌های روسیه برای بازداشتن ایران از دسترسی به بازار گاز اروپا در چارچوب استراتژی تأسیس خطوط لوله متعدد تعقیب شده است. چنین روندی با از سرگیری تکمیل خط لوله انتقال گاز روسیه از خاک ترکیه معروف به «ترکیش استریم» در پی فروکش کردن جدال‌های میان دو کشور بر سر سرنگونی یک جنگنده روسی در نزدیکی مرز ترکیه و سوریه، به‌منزله تهدیدی برای بازار صادراتی گاز ایران است. احداث خط لوله یادشده می‌تواند تمام افزایش تقاضای گازی منطقه جنوب اروپا از طریق خط لوله را پوشش دهد و جایگاهی برای عرضه گاز ایران به جنوب اروپا از طریق خط لوله باقی نماند. از این‌رو برخی از تحلیل‌گران معتقدند با راه‌اندازی خط لوله ترکیش استریم، دست ایران برای همیشه از بازار گاز اروپا کوتاه می‌شود. در این سطح، امکان و احتمال بیرون نگه داشتن ایران از صحنه بازار انرژی و از جمله صادرات گاز متصور و حتی محتمل است (پیرمحمدی، ۱۳۹۵).

رژیم حقوقی دریای خزر

در طول سال‌های قبل از سقوط شوروی، آنچه در نحوه استفاده از دریای خزر تعیین کننده بود عهدنامه مودت ایران و شوروی ۱۹۲۱ و بازرگانی و بحریمایی ۱۹۴۴ بود که بر اساس روح این موافقتنامه‌ها، دریای خزر از دید حقوقی میان دو کشور مشاع بوده است، ولی در آن توافق‌ها اشاره‌ای به بستر و زیر بستر دریا و یا چگونگی مالکیت و بهره‌برداری از منابع و ذخایر هیدروکربنی نشده بود. حتی بهره‌برداری از منابع زیستی دریا، جدا از منطقه انحصاری ۱۴ مایلی که در معاهده ۱۹۴۴ در نظر گرفته شده بود، وضع حقوقی روشنی نداشت (جعفری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۲).

با افزایش کشورهای ساحلی دریای خزر از ۲ به ۵ کشور بعد از فروپاشی شوروی و اقدام یکجانبه آذربایجان برای بهره‌برداری از منابع دریا و به دنبال آن تنش میان ایران و آذربایجان، لزوم تعیین رژیم حقوقی جدید مورد توجه قرار گرفته و مذاکرات در این رابطه در دستور کار کشورهای ساحلی قرار گرفت. در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، روسیه ابتدا پابندی خود را نسبت به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۴ مابین ایران و شوروی مبنی بر مشترک بودن استفاده از دریای خزر اعلام کرد اما در حال حاضر خواهان تقسیم کف دریا و مشترک بودن سطح آن است. روسیه و قزاقستان در سال ۱۳۸۱ برای تقسیم بستر شمالی دریای خزر توافق کردند که ۲۸/۴ درصد برای قزاقستان و ۲۴/۱ درصد برای روسیه در نظر گرفته شد. قزاقستان تقسیم دریا بر اساس الگوی حقوق بین‌الملل دریاها را مدنظر قرار داده بود ولی بعداً نظر روسیه را پذیرفت. آذربایجان بر تقسیم دریای خزر به بخش‌های ملی و محدوده مشخص برای هر کشور اصرار می‌ورزید، ولی نهایتاً نظر روسیه مبنی بر مشترک بودن سطح و تقسیم کف دریا را قبول کرد، ترکمنستان در ابتدا استفاده مشترک از دریا را مدنظر قرار داد ولی رفته‌رفته موضعش را به روسیه نزدیک کرده است

(ملکی، ۱۳۸۶: ۱-۲۳).

با این که منابع اصلی نفت و گاز ایران در خلیج فارس متمرکز است، لیکن منطقه خزر برای این کشور از اهمیتی استراتژیک برخوردار بوده و اساساً این منطقه عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. در همین راستا نکته قابل تامل، نگرانی‌های ژئوپلیتیکی ایران است. در واقع همسایگان جوان ایران در شمال از اراده سیاسی چندان مستقلی برخوردار نیستند بنابراین حضور فعال آمریکا و متحدان غربی در کنار دروازه‌های شمالی ایران، تهران را ناچار به دیپلماسی واکنشی ساخته است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰). نگرانی دیگر ایران از تأثیرات و نفوذ روسیه است. با توجه به اینکه روسیه طی سالیان طولانی نیروی مسلط در منطقه بوده و به ساختارها و فرآیندهای کشورهای منطقه شکل داده و دور از ذهن نخواهد بود که طی توافقاتی با سایر کشورهای ساحلی، منافع ایران را با تردید روبه‌رو سازد؛ کما اینکه توافقات روسیه با چهار کشور دیگر در غیاب ایران و برخلاف نظر اولی‌اش مبنی بر استفاده مشترک، این فرض را بیش از پیش تقویت می‌کند. از سویی ایران به دلایلی که در ادامه خواهد آمد میل و توان چندان برای چانه‌زنی با روسیه را ندارد چنان که دیدیم ایران در ابتدا با استناد به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۴ خواهان استفاده مشترک از دریا بوده اما زمانی که با مخالفت عملی و تغییر دیدگاه روسیه مواجه شد عقب‌نشینی کرد و اکنون تحقق سهم ۲۴ درصدی از دریای خزر به هدف اصلی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. حال آنکه روسیه به همراه قزاقستان و آذربایجان عنوان کرده‌اند درصد تخصیص دریای خزر باید بر طبق درصد کل خط ساحلی برای هر کشور باشد. با این فرمول ایران کنترل ۱۳ درصد از دریای خزر را در اختیار خواهد داشت ولی تهران خواهان سهم ۲۰ درصدی برای هر یک از کشورهاست. آنچه مسلم است روسیه در خزر ایران را بعنوان یک رقیب و نه متحد می‌نگرد و تلاش کرده است با محدود کردن نفوذ ایران، منافع استراتژیک خود را از طریق مذاکرات دوجانبه با

مولفه‌های تهدید کننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه ۱۱۷

دیگر کشورهای ساحلی و در غیاب ایران تأمین کند (نوروزی و رومی، ۱۳۹۳). البته در کنار روابط نه چندان گرم ایران با غرب و در کنار روابط یکجانبه با روسیه، از قدرت چانه‌زنی ایران در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر خواهد کاست.

منافع و ملاحظات متعارض ایران و روسیه در سوریه

یکی از مهمترین مسائلی که در مورد پایان دادن به جنگ خونین سوریه باید مورد توجه قرار گیرد، قابلیت دوام شراکت مسکو و تهران است. همکاری قابل توجه ایران و روسیه در عملیات‌ها در سوریه، خط بطلانی بر یک قرن عدم اعتماد میان دو کشور کشید. با فروپاشی اتحاد شوروی، روابط دو کشور متحول شده بود اما اهداف درازمدت این دو همچنان در مقابل یکدیگر قرار داشت. بطور کلی واقع‌گرایان منافع مشترک را نقطه عزیمت تحلیل خود از شکل‌گیری ائتلاف ایران و روسیه در مسائل خاورمیانه قرار می‌دهند و معتقد هستند که اشتراک در منافع میان دولت‌ها که مقابله با تهدید را نیز دربر می‌گیرد به ائتلاف شکل می‌دهد و با تضعیف و از میان رفتن این اشتراکات، ائتلاف‌ها نیز تضعیف شده یا از بین می‌روند. به دیگر سخن، ائتلاف‌ها پدیده‌های موقتی هستند. از این منظر بنیان ائتلاف ایران و روسیه، حفظ نظام سیاسی مستقر در سوریه و از بین بردن داعش است و تا زمانی که این اشتراک تداوم داشت باشد، ائتلاف نیز تداوم خواهد یافت. از دیگر سو اگر سیاست‌های هر یک از دو کشور نسبت به این دو موضوع تغییر کند یا اینکه جنگ داخلی سوریه به سود نظام سیاسی این کشور حل و فصل شود ائتلاف دچار فروپاشی خواهد شد. چنانچه روسیه بخواهد در ادامه مسیر تمرکز خود را از عملیات نظامی به تلاش‌های دیپلماتیک تغییر دهد، عملاً مدیریت مسئله بطور عمده در اختیار روسیه قرار خواهد گرفت (شوری، ۱۳۹۴: ۵). اختلافات میان ایران و روسیه بر سر آینده سوریه، کاملاً جدی است اما این اختلافات آشکار نیستند، زیرا این دو

کشور در حال حاضر تلاش می‌کنند به اهداف مشترک و کوتاه‌مدت خود دست یابند. به تعبیر کریستوفر فیلیپس، کارشناس سوری چتم هاوس، روسیه و ایران در وضعیتی مابین دوستی و دشمنی در کنار یکدیگر در سوریه قرار گرفتند. بر این اساس اگرچه ممکن است طرفین در کوتاه‌مدت اشتراک منافع داشته باشند اما در درازمدت منافع آنها در تعارض با یکدیگر قرار دارد (The Financial Times, 2015). بنابراین ماهیت مواضع بازیگران خارجی در پرونده سوریه، حتی در درون یک جبهه نیز متفاوت از یکدیگر است. بعبارت روشنتر این بازیگران بر اساس منافع خود در سه سطح «همکاری»، «رقابت» و «تقابل» با موضوع سوریه رفتار می‌کنند. بنابراین بروز اختلاف حتی در درون یک جبهه نیز اجتناب‌ناپذیر و قابل مشاهده است. در همین راستا، ایران و روسیه نیز علیرغم اشتراکاتی که در بالا بدان اشاره شد، اختلافاتی با یکدیگر دارند که بنظر می‌رسد در بلندمدت باید شاهد نمایان شدن آنها باشیم. ایران نگران این است که دسترنج خود را در سوریه که حاصل چند سال مقاومت در برابر معارضین و داعش بوده است، بطور کامل در دستان روسیه ببیند. موضوع هم نگران کننده است و هم ایران را در خصوص آینده سوریه کمی محتاط می‌کند. محتمل است که روسیه و غرب دیر یا زود در زمینه انتقال سیاسی در سوریه به توافق برسند. ایران در این فرایند، نگران است که منافع خود را از دست رفته ببیند (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۷: ۷۹).

از دید تحلیلگران غربی، تهران راه خود را از مدت‌ها پیش مشخص کرده و با تشکیل ارتش داوطلب مردمی در سوریه به دنبال بدیلی برای نظام فعلی سوریه بوده است (Khatib, 2017). ولی همچنان این نگرانی وجود دارد که روسیه به بده-بستانی با غرب روی آورد که برنامه‌های بالقوه ایران را نیز حتی تحت‌الشعاع قرار دهد. کما اینکه پس از خروج آمریکا از برجام، اختلافات ایران و روسیه بیش از پیش نمایان شد که این اختلاف در دیدار ۱۷ می ۲۰۱۸ میان والدیمیر پوتین و بشار اسد در سوچی خود را نشان داد. جایی که پوتین از

اسد خواست نیروهای خارجی خاک سوریه را ترک کنند. یک روز بعد الکساندر لورنتیف درباره اظهار نظر پوتین گفت: «این اظهارات در خصوص همه گروه‌های نظامی خارجی در سوریه، از جمله آمریکایی‌ها، ترک‌ها، حزب الله لبنان و ایرانی‌هاست.» او همچنین تأکید کرد که اظهارات رئیس جمهوری روسیه در این باره، حاوی «پیامی سیاسی» است (Foreignpolicy, 2018).

بلافاصله پس از این اظهارات، مقامات ایرانی واکنش نشان دادند و اعلام کردند خروج نیروهای ایرانی از سوریه صرفاً به خواست دولت سوریه انجام خواهد شد (The Middle East Institute, 2018) بر این اساس، همانطور که گفته شد اهداف مشترک و ضروری موجب شده است تا ایران و روسیه در کوتاه‌مدت در سوریه با یکدیگر متحد شوند و این اتحاد احتمالاً بر ضد نفوذ غرب در بلندمدت خواهد بود. با این حال در زمینه برخی از جنبه‌های مهم درباره آینده سوریه از جمله ماهیت دولت و بازسازی ارتش این کشور، آینده بشار اسد و همچنین مسئله حزب الله، اختلافات میان تهران و مسکو ظاهر خواهد شد. لذا می‌توان گفت که اختلافات میان مسکو و تهران اختلافاتی هستند که بر سر آینده سوریه بروز خواهند کرد. در شرایطی که ایران به کرات اعلام کرده برکناری اسد خط قرمز این کشور است و هرگونه پیش‌شرط نبودن اسد غیرقابل قبول است، روسیه انعطاف بیشتری در این زمینه از خود نشان داده است. به گفته وزیر خارجه روسیه، رویکرد مسکو به اسد مانند رویکرد واشنگتن به آنکارا نیست. لاوروف در مصاحبه با خبرگزاری اسپوتنیک در تاریخ ۴ مه ۲۰۱۶، به روشنی از این نکته پرده برداشت و گفت: «بشار اسد متحد ما نیست. ما در جنگ علیه تروریسم و برای حفظ یکپارچگی سوریه از او حمایت می‌کنیم، ولی او به حدی که ترکیه متحد نزدیک آمریکاست، متحد روسیه قلمداد نمی‌شود» (Sputnik, 2016). این دقیقاً نقطه افتراق راهبرد تهران و مسکو در جنگ داخلی سوریه است. علی اکبر ولایتی، مشاور ارشد رهبر جمهوری اسلامی ایران در امور بین‌الملل، تاکنون چندین بار تصریح کرده که «شخص بشار اسد» خط قرمز

جمهوری اسلامی است. سرلشکر جعفری، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیز در این زمینه گفته: «روس‌ها در دو موضوع با تهران موضع مشترکی ندارند: سرنوشت نظام رئیس‌جمهور بشار اسد و حزب الله.» او تأکید کرد که درباره رئیس‌جمهور سوریه، دیدگاه ایران و روسیه مشترک نیست. ایران بر این نظر است که گزینه جایگزینی برای بشار اسد نیست و او خط قرمزی است که به هیچ وجه نباید از آن عبور کرد (The Financial Times, 2015). به بیان دیگر، استراتژی تهران در سوریه بر اساس حفظ بشار اسد در قدرت ترسیم شده در حالی که استراتژی روسیه بر اساس حفظ منافع این کشور در ارتباط با قدرت‌های بین‌المللی تدوین شده است. روشن است که این دو استراتژی تا اندازه‌ای همپوشانی دارند ولی نکته مهم این است که این دو در بسیاری از موارد نیز همپوشانی ندارند. از نظر روسیه اسد می‌تواند در قدرت باقی بماند اما نه به هر قیمتی. سخنان مقامات روسیه نشان می‌دهد که اسد خط قرمز آنها نیست و هرگونه دولت غیرافراطی و سکولار که بتواند ثبات در سوریه را حفظ کند، برای روسیه قابل قبول است. این رویکردی است که می‌تواند در بلندمدت منجر به اختلاف جدی ایران و روسیه در سوریه شود.

نقش حزب الله لبنان یکی از این اختلافات بنیادین در روابط میان ایران و روسیه در سوریه، ریشه در رابطه نزدیک اسرائیل و روسیه دارد که تا حدودی نیز متأثر از سیاست‌های ضداسرائیلی ایران و فعالیت‌های حزب الله است (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۷: ۸۰). اسرائیل به شدت از قدرتیابی حزب الله در سوریه و مرزهای خود نگران است. این نگرانی‌ها ناشی از چند عامل مهم است: نخست، بهبود و تقویت مهارت‌های نظامی حزب الله که ناشی از تجربه ۵ ساله این گروه در سوریه است؛ تجربه‌ای که بدون شک می‌تواند در برابر اسرائیل بکار گرفته شود. نگرانی دوم اسرائیل که یک عامل اختلافی میان ایران و روسیه بوده، انتقال سلاح‌های روسی به حزب الله از انبارهای تسلیحاتی سوریه بوده است. ایران پیشتر به روسیه وعده داده بود که تجهیزات پیشرفته نظامی را

مولفه‌های تهدید کننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه ۱۲۱

که از روسیه دریافت می‌کند در اختیار حزب الله لبنان قرار ندهد اما به گفته مقامات و رسانه‌های اسرائیلی، ایران به این قول خود پایبند نبوده و موشک‌های زمین به هوای اس ۲۲ را که از روسیه خریداری کرده در اختیار حزب الله لبنان قرار داده است. این موضوعی است که همواره موجب نگرانی اسرائیل بوده و روسیه نیز بنا به درخواست اسرائیل بارها از ایران خواسته از انتقال سلاح به حزب الله جلوگیری کند (Eichner, 2017). پوتین همچنین تلاش کرده است تا به اسرائیل اطمینان دهد که حضورش در سوریه و توافق با ایران برای تحویل سامانه‌های دفاع موشکی اس ۳۰۰ منجر به افزایش آسیب‌پذیری اسرائیل مقابل موشک‌های حزب الله نخواهد بود.

ساختار سیاسی آینده سوریه

ایران و روسیه در جهت‌گیری سیاسی آینده دولت سوریه نیز اختلاف دارند. برای ایران مهم است که نظام سیاسی سوریه در آینده موضعی ضداسرائیلی داشته باشد و همچنان پلی میان تهران و حزب الله شود. در عوض، روسیه خود را نگران این مسائل نمی‌کند و تلاش دارد از آن فاصله بگیرد. در واقع اسرائیل و روسیه بطور مستمر جلساتی در سطوح سیاسی و نظامی برای یافتن زمینه‌های مشترک در سوریه برگزار کرده‌اند. آنها موافقت کرده‌اند از رویارویی‌های نظامی احتمالی در آسمان سوریه پرهیز کنند و روسیه حتی خود را متعهد کرده تا مانع دستیابی حزب الله به سلاح‌های روسی شود (i24news, 2017). در سال ۲۰۱۷ این کشور همچنین متعهد شده است که مانع اقدامات شبه‌نظامیان حامی دولت سوریه و نیروهای حزب الله بر ضد اسرائیل در بلندی‌های جولان شود. اسرائیل بر خلاف متحدان غربی خود موضعی منفی در قبال حضور نظامی روسیه در سوریه اتخاذ نکرده است و این نشان می‌دهد که مسکو لزوماً مایل نیست نظام سیاسی آینده سوریه همچنان موضعی ضداسرائیلی داشته باشد (Cohen, 2018). در مقابل، ایران همیشه بر ضرورت حفظ دولت مرکزی

سوریه تأکید کرده اما گهگاهی مقامات روسیه حمایت خود از فدرالیسم را بیان کرده‌اند. روس‌ها مخالف سیستم سیاسی فدرال در سوریه نبوده و در واقع از آن حمایت می‌کنند. مسکو فدرالیسم را راه‌حلی برای حفظ موقعیت ژئوپلیتیک خود در غرب سوریه و همچنین تقویت روابط با سایر بازیگران داخلی می‌بیند (Isaev & Zakharov, 2017). تهران مخالف هرگونه نقشه برای تجزیه و یا فدرالی کردن سوریه است زیرا خودمختاری کردها می‌تواند تأثیر احتمالی روی کردهای ایران بگذارد. از طرف دیگر، ارتش سوریه بطور سنتی به روسیه وابستگی زیادی داشته و منافع استراتژیک روسیه از پایگاه نظامی آن در طرطوس تا سرزمین‌های علوی و لاذقیه قرار دارد. در مقابل، منافع استراتژیک ایران در جنوب سوریه تعریف می‌شود. دولت ایران بیش از تلاش برای ایجاد نهادهای دولتی در سوریه، به دنبال تقویت نیروهای دفاع ملی و نیروهای علوی و شیعه است. زمانی که ایران متوجه شد ارتش سوریه در آستانه سقوط است، تلاش کرد نیروهایی متشکل از داوطلبان را تشکیل دهد. در نتیجه نیروی گسترده‌ای از علوی‌ها را تشکیل داد. آنها اکنون نیروی اصلی در سوریه هستند که با گروه‌های مختلفی از معارضین مسلح می‌جنگند و قدرتمندتر از ارتش سوریه هستند. بر اساس گزارش‌ها، حدود بیست هزار شیعه از عراق، لبنان و افغانستان نیز به آنها ملحق شده‌اند. این نیروها احتمالاً نقش مهمی در آینده سوریه ایفا خواهند کرد. به علاوه گفته می‌شود که جمهوری اسلامی امیدوار است از آنها بعنوان جایگزینی مناسب برای دولت اسد استفاده کند. این راهبرد فقط در مورد سوریه استفاده نمی‌شود بلکه سیاست ایران در قبال عراق، لبنان و حتی یمن نیز به همین ترتیب است. در عراق گروه‌های شیعه تحت حمایت ایران اکنون ستون‌های اصلی نیروهای مسلح این کشور را تشکیل می‌دهند (Rafizadeh, 2016) و در تأمین امنیت این کشور نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند. بر این اساس، مبارزه قدرت بر سر آینده گروه‌های شیعی تحت حمایت ایران در سوریه و نیروهای دفاع ملی می‌تواند یکی از مواردی باشد که منجر به

مولفه‌های تهدید کننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه ۱۲۳

بروز اختلاف میان ایران و روسیه شود. به گفته دیپلمات‌های روسی، روسیه پیشنهاد داده است که این نیروها به بخشی از نیروهای نظامی دولت اسد تبدیل شوند. اما چگونگی پیاده کردن این پیشنهاد بسیار مهم است. برخی از کارشناسان عملی شدن این طرح را مورد تردید قرار داده‌اند. بدون شک موضوع نیروهای دفاع ملی و ادغام آن در ارتش سوریه مورد پسند ایران نخواهد بود. ایران از سه سال پیش با کمک نیروهای حزب الله به تشکیل این گروه بعنوان مجرای برای حفظ نفوذ خود در سوریه اقدام کرده است. فارغ از عوامل فوق الذکر، نوع تعامل و همکاری میان ایران و روسیه تابعی از نوع تعامل و یا تقابل آنها با دیگر بازیگران از جمله اسرائیل و عربستان و یا مسائل دیگر از جمله حوزه انرژی است. روسیه دارای قدرت منحصر به فردی برای ایجاد تفاهم، تعادل و ایجاد توازن بین تمام طرف‌های درگیر در بحران سوریه است. در همین راستا بنظر می‌رسد یکی از اصول کلی راهبرد روسیه در سوریه، ایجاد توازن قدرت میان محور ایران از یک سو و اسرائیل از سوی دیگر است. همکاری ایران و روسیه در سطوح بالا در زمانی است که نوبت به مقابله با نیروهای مسلح هوادار غرب و مخالف اسد در سوریه می‌رسد اما زمانی که مسئله اسرائیل است، وضعیت متفاوت می‌شود. روسیه به اسرائیل تعهد داده که به امنیت ملی اسرائیل احترام می‌گذارد. همین مسئله یکی از عوامل بدبینی تهران و مسکو به یکدیگر بوده است. از سوی دیگر نباید منافع متضاد دو طرف در بازار انرژی و تأثیر آن بر تعامل آنها در سوریه را نادیده گرفت؛ بطوری که در ماه ژوئن ۲۰۱۸ روسیه اتحادی را با عربستان در زمینه افزایش تولید نفت ترتیب داد که در تضاد کامل با منافع ایران قرار داشت. همچنین در سالیان اخیر، دوری و نزدیکی روسیه و آمریکا نیز بر تعامل یا رقابت میان تهران و مسکو اثر قابل توجهی گذاشته است؛ بدین معنا که هرگاه روابط مسکو و واشنگتن تقویت می‌شد، شاهد اظهارنظرهایی از سوی کرملین بودیم که واگرایی را با تهران بیشتر می‌کرد. بسیاری از ناظران و محققان روسی و ایرانی

بر این عقیده بودند که با نزدیک شدن به مرحله پایان بحران در سوریه، اختلافات میان ایران و روسیه خود را نشان خواهد داد و این دو از شراکت به سمت رقابت گام خواهند برداشت. این وضعیتی بود که آن را «سیر سقوط» می‌دانستند (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۷: ۸۱). هر چند که مشارکت استراتژیک دو کشور در بحران اوکراین عکس این پیش‌بینی‌ها را نشان داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح شده در بخش‌های قبل، وجود مولفه‌های تهدید کننده در رابطه دو کشور جدی است و حتی می‌تواند به رابطه و همکاری دو کشور آسیب رساند. درباره رابطه جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه می‌توان به این نکته اشاره کرد که منطق نزدیکی دو کشور از دیدگاه راهبردی سیاسی و بر مبنای دفع تهدید آمریکا و در قالب گسترش همکاری‌های نظامی و امنیتی برای افزایش نقش هر دو کشور در منطقه مهم است اما اراده روسیه برای تعریف نوع رابطه با ایران نه ناشی از درک مشترک تهدید و اراده برای مقابله با آن بلکه به واسطه نگرانی از تسلط آمریکا بر جهان و تک‌قطبی شدن نظام بین‌الملل صورت می‌گیرد. می‌توان گفت بیشترین حالت نزدیکی دو کشور تنها در مورد بحران سوریه بوده و سایر عوامل همکاری میان دو کشور را نمی‌توان بطور دقیق مصداق همکاری و نزدیکی دانست. در خصوص بحران سوریه، نقش روسیه در بحران این کشور و همگرایی با ایران در خصوص مبارزه با تروریسم، بیشتر از آنکه راهبردی باشد تاکتیکی و واکنشی به پیشروی‌های غرب بوده است.

بنابراین اگرچه هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه بدنبال توسعه روابط و همکاری دوجانبه هستند اما اینکه باور شود این رابطه جنبه استراتژیک دارد، با واقعیت سازگار نیست. در مجموع می‌توان به چند نقیصه در سیاست خارجی ایران اشاره کرد:

مولفه‌های تهدید کننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه ۱۲۵

- تردید به نظام بین‌الملل و از سیاست و جایگاه روسیه: ایران روسیه را کشوری می‌داند که توانایی تقابل با آمریکا در نظام بین‌الملل را دارد. در حالی که روسیه هرچند با پشت سر نهادن دوران ضعف به مرحله‌ای از شکوفایی رسیده اما بخوبی از کاستی‌های خود و قابلیت‌های آمریکا آگاه است و هرگز حاضر به وارد شدن به تنش دیگری همچون جنگ سرد با آمریکا نخواهد بود.

- اگر ایران بعد از انقلاب در سیاست خارجی خود نسبت به ایالات متحده، بخوبی موضع و جایگاه خود را شناخته و همواره آن را بعنوان دشمن طرد کرده اما در رابطه با روسیه دچار نوعی تردید و دلهره است. در واقع نگرش جامعه ایرانی به روسیه بین حافظه تاریخی تاریک و تلخ و نیاز کنونی به روسیه برای دور شدن از انزوای سیال و شناور است.

منابع

فارسی

- احمدی پور، زهرا و کامران، حسن و ولی قلی زاده، علی، (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل نقش خزر در معادلات ژئوپلیتیک منطقه ای»، *جغرافیا (فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)*، شماره ۲۷، صص ۲۷-۷.
- اسلامی، مسعود، (۱۳۹۱)، «دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی»، *فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۳۴، صص: ۲۲۰-۱۸۹*
- باقری دولت آبادی، علی و شفیعی، محسن، (۱۳۹۳)، *از هاشمی تا روحانی (بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو سازه‌نگاری)*، تهران: انتشارات تیسرا.
- جعفری، فرهاد و کامران، حسن و حسن نامی، امیر محمد و محمدپور، علی، (۱۳۸۸)، «رژیم حقوقی و تحدید حدود دریای خزر»، *فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران*، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۴۶-۲۵.
- رسولی ثانی آبادی، الهام، (۱۳۹۳)، «ماهیت اتحادها در خاورمیانه: قدرت یا هویت؟»، *فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره ۳.*
- شوری، محمود، (۱۳۹۴)، «ایران و روسیه و آینده مسئله سوریه»، *فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۷-۱۳.*
- کریمی، جهانگیر، (۱۳۸۹)، «ایران و روسیه، متحد شرقی یا تهدید جنوبی»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ۳.*
- کریمی پور، داود، (۱۳۹۱)، *تداوم و تغییر در سیاست خارجی فدراسیون روسیه در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۰-۲۰۰۰)* (پرونده هسته‌ای، رژیم حقوقی دریای خزر، فروش تسلیحات نظامی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- مجتهدزاده پیروز و رشیدی نژاد، احمد، (۱۳۹۰)، «تحلیل ژئوپلیتیکی از سیاست خارجی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۲.*
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۰)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: نشر سمت.

مؤلفه‌های تهدید کننده همکاری استراتژیک ایران و روسیه ۱۲۷

ملکی، عباس، (۱۳۸۶)، «برای خزر چه می‌توان کرد؟»، قابل دسترسی در آدرس
www.irdiplomacy.ir/Inden.php

نجفی، مصطفی و عزیزی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، «آینده شراکت ایران و روسیه در
بحران سوریه»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، شماره ۲.
نوروزی، نورمحمد، رومی، فرشاد، (۱۳۹۳)، «چشم‌انداز روسی به روابط ایران و
روسیه (۱۳۹۲-۱۳۸۴)»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال سوم، شماره
۱، صص ۱۱۷-۹۳.

والترز، کنت نیل، (۱۳۹۲)، نظریه سیاست بین‌الملل، ترجمه غلامعلی چگنی زاده و
داریوش یوسفی، تهران: وزارت امور خارجه.

References

- Cohen, Josh, (2018), "Commentary: Cracks in Russia-Iran Alliance Open Options for Trump", January, available on:
<https://www.reuters.com/article/us-cohen-iran-commentary/commentary-cracksin-russia-iran-alliance-open-options-for-trump-idUSKBN1EX298>.
- Dinpajouh, Mona, (2009), Russian Foreign Policy toward Iran under Putin 2000-2008, Thesis Submitted for Degree of Master of Science, July.
- Eichner, Itamar, (2017), "Russia Promises to Keep Weapons out of Hezbollah's Hands", August, available on:
<https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-4919806,00.html>.
- Isaev, Leonid & Zakharov, Andrey, (2017), "A Russian Constitution for Syria?", march, available on:
<http://intersectionproject.eu/article-russia-world/russian-constitution-syria>.
- i24news, (2017), "Russian Envoy Says Moscow Working to Prevent Transfer of Weapons to Hezbollah", September, available on:
<https://www.i24news.tv/en/news/international/137186-170209-russian-envoy-says-moscow-working-to-prevent-transfer-of-weapons-to-hezbollah>.
- Khatib, Lina, (2017), "Iran Is Building a Base of Post-War Influence in Syria", June, available on:
<https://syria.chathamhouse.org/research/iran-is-building->

- a-base-of-post-war-influence-in-syria.
- Mearsheimer, John J, (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: Norton.
- Mearsheimer, John J, (2009), "Reckless States and Realism", *International Relations*, 23 (2).
- Rafizadeh, Majid, (2016), "Iran's Forces Outnumber Assad's in Syria", November, available on: <https://www.gatestoneinstitute.org/9406/iran-soldiers-syria>.
- Sputniknews, (2016), "Lavrov to Sputnik: Assad Not Moscow's Ally Like Ankara is to Washington", July, available on: <http://sputniknews.com/politics/20160504/1039060941/assad-russia-ally-lavrov.html>.
- Snyder, Glenn H, (2002), "Mearsheimer's Word-Offensive Realism and the Struggle for Security", *International Security*, 27 (1).
- Waltz, Kenneth H, (1979), *Theory of International Politics*, New York: Random House.
- Waltz, k, (1988), "The Origins of War in Neorealist Theory", *Journal of Interdisciplinary History*, Vol. 18, 615-628.
- Waltz, Kenneth N, (1989), "The Origins of War in Neorealist Theory", In Robert I. Rotberg and Theodore K. Rabb, eds., *The Origin and Prevention of Major Wars*, New York: Cambridge University Press.